

## جایگاه و نقش قدرت جامعه (مردم) در برابر بحران استبداد

محمود ولی زاده ۱، علی محسنی ۲

۱- دانشجوی دکتری، گروه علوم سیاسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران mahvalizadeh46@gmail.com  
۲- دانشیار، گروه علوم سیاسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران، (نویسنده مسئول) dr.amohsni@gmail.com

### چکیده

بحران استبداد یکی از چالش‌های بزرگ جوامع امروزی است و قدرت مردم در این بحران نقش بسیار حیاتی دارد. در این مقاله، نقش قدرت مردم در مبارزه با استبداد بررسی شده است. با بررسی منابع مرتبط، متوجه می‌شویم که قدرت مردم در جامعه توسط عوامل مختلف تقویت می‌شود. این عوامل شامل آگاهی‌بخشی و آموزش، تشکیل گروه‌ها و سازمان‌های مردمی، استفاده از رسانه‌های مستقل، شرکت در انتخابات و فعالیت سیاسی، همکاری و تعامل می‌باشد. به اهمیت قدرت مردم در مبارزه با استبداد، تدابیر و راهکارهای عملی برای تقویت نقش مردم در جامعه بسیار حائز اهمیت است. این راهکارها عبارتند از آگاهی‌بخشی و آموزش سیاسی، تشکیل گروه‌ها و سازمان‌های مردمی، استفاده از رسانه‌های مستقل، شرکت در انتخابات و فعالیت سیاسی، همکاری و تعامل بین‌المللی. آگاهی‌بخشی و آموزش سیاسی از طریق مدارس، دانشگاه‌ها، رسانه‌ها و سازمان‌های مدنی می‌تواند آگاهی و دانش سیاسی مردم را افزایش داده و آنها را به تصمیم‌گیری‌های بهتر و فعالیت در فرایندهای سیاسی ترغیب کند.

واژه‌های کلیدی: بحران استبداد، قدرت مردم، جامعه، راهکار

**مقدمه:**

در جامعه امروز نیاز بشر به همزیستی در سطح بالایی احساس می شود. این همزیستی در قالب اداره و مدیریت سرزمین و سازماندهی جهت بهبود استفاده بهینه از آن تحقق می یابد. از دیدگاه دیگر می توان مدیریت سرزمین را در مسیر یک توسعه قانون مند و پایدار مورد توجه قرار داد. این مورد بیشتر از این جهت اهمیت دارد که نحوه مدیریت بر جریان مطلوب زندگی شهروندان می تواند در بهبود وضعیت آنان در ابعاد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی مهم ترین نقش را ایفا کند (محمودی و همکاران، ۱۳۹۷).

استبداد و ظلم حاکمان بر مردم یکی از مسائل مهم و حساس در جوامع امروزی است. بحران استبداد، به معنای تحقق قدرت و سلطه بی رویه حاکمان بر جامعه و سلب حقوق و آزادی های اساسی افراد است. در این بحران، نقش قدرت مردم جامعه بسیار حائز اهمیت است. مردم با توانایی ها و تلاش های خود می توانند بر ضد استبداد مبارزه کرده و به تحقق دموکراسی و عدالت در جامعه کمک کنند. در این مقاله، به بررسی نقش قدرت مردم جامعه در بحران استبداد خواهیم پرداخت و به بیان نقش آنها در تغییر و اصلاح رژیم های استبدادی خواهیم پرداخت (نگارنده).

**پیشینه تحقیق**

غلامی و شکوهی در سال ۱۴۰۱ به بررسی مطالعه تطبیقی جایگاه حاکمیت و مردم در مدیریت بحران در نظریه های اجتماعی پرداختند و اشاره داشتند که شهرها همواره در معرض خطر و بحرانهای مختلف هستند. این بحرانها می توانند ناشی از بلایای طبیعی نظیر زلزله، سیل، آتشفشان، خشک سالی و... یا تهدیدهای انسانساخت مانند جنگ، تروریسم، خطاهای مهندسی و... باشند. بنابراین برنامه ریزی برای ایجاد آمادگی و مدیریت شرایط برای گذر از بحران از اهمیت بالایی برخوردار است. اینکه جایگاه حاکمیت و مردم در مدیریت بحران چگونه باید تعریف شود، معطوف به نظریه ای اجتماعی حاکم بر جامعه است. در این مطالعه سه نظریه ی اجتماعی کلان مورد مطالعه قرار خواهند گرفت و مدیریت بحران در هر یک از آنها مقایسه می شود. نظریه ی اول با نام استیلا از نوع عمودی است و رابطه تسلط و تسلیم است. مزایای آن این است که قدرت واحد امکانات خود را جهت گذر از بحران بکار می گیرد ولی معایب آن این است که نیروهای آن جهت مدیریت شرایط محدود است. نظریه ی دوم که به جامعه ی بازار معروف است مبتنی بر رابطه مبادله و معامله است. در این نظریه افراد دارای رابطه افقی هستند و نسبت به هم برتری ندارند و رابطه ی داد و ستد حاکم است، ممکن است مزایایی نظیر فراهم کردن موارد مورد نیاز جهت گذر از شرایط بحرانی از طریق بازار را داشته باشد؛ اما معایب آن بیشتر است و فشار بیشتری بر بحرانزدگان وارد می شود. نظریه ی سوم نظریه ی اخوت است که بر مبنای رابطه ی محبت و رحمت است و نوع رابطه هم افقی و هم عمودی است و مبنای آن محبت و از خودگذشتگی است. از مزایای جوامع اخوت این است که به صورت خودجوش امکانات خود را بسیج کرده و جهت امداد رسانی و گذر از شرایط بحرانی به مناطق ارسال می شوند و حتی در بعضی موارد خود افراد راهی نواحی بحرانی می شوند. این موضوع جهت مدیریت بحران آن مناطق بسیار کمک کننده است اما معایب و آسیب های خود را نیز دارد، معایبی نظیر حضور افراد غیرمتخصص در محل که خود، کار امداد رسانی را سخت تر می کند یا فرستادن تجهیزات و کمک ها بدون شناخت لازم به مناطق آسیب دیده که موجب می شد منابع موجود به درستی استفاده نشوند.

باوی و روشن سالار در سال ۱۴۰۰ به بررسی نقش جامعه و مشارکت مردم در عملیات روانی بحران پرداختند و اشاره داشتند که یکی از مهم ترین ابعاد هر بحران، تاثیرهای روانی آن بر افراد بحران زده است. بررسی ها نشان می دهد مردم در هنگام بحران، احساسات متفاوتی مانند ترس، اضطراب، هراس، نومییدی، از دست دادن تمرکز و کنترل و ... را تجربه می کنند. این مسائل موجب می شود افراد درگیر بحران، با مسائل و مشکلات مختلفی مواجه شوند که نادیده گرفتن آنها، موجب گسترش ابعاد بحران و ناکارآمدی اقدامات انجام شده برای مدیریت و کنترل آن را در پی خواهد داشت. مقاله حاضر ضمن واکاوی عوارض روان شناختی بحران ها، به تبیین نقش جامعه و مردم در کاهش این نوع عوارض پرداخته است. همچنین در این مقاله محورهایی مانند مدیریت خطر بحران اجتماع محور، نقش مشارکت مردمی در کاهش آسیبها، چالشهای مشارکت مردمی در هنگام بحران، عوامل موثر بر میزان مشارکت مردمی در هنگام بحران و ... مورد بررسی قرار گرفته است.

نورالهی در سال ۱۳۹۲ به بررسی نقش مشارکت مردمی در مدیریت بحران پرداختند و اشاره داشتند که از دیدگاه جامعه شناسی، مشارکت به معنای احساس تعلق به گروه و شرکت فعالانه و داوطلبانه در آن که به فعالیت اجتماعی منجر می‌گردد، حائز اهمیت است. از این نظر، مشارکت، فرآیند سازمان یافته‌ای است که فرد در آن به فعالیتی آزادی و داوطلبانه دست می‌زند (وفایی، ۱۳۸۹). موضوع مشارکت مردم در مدیریت بحران نیز از جمله موضوعات مطرح در علم مدیریت بحران است، این مشارکت با هدف بالا بردن توان و قدرت اجرایی دستگاه‌های موظف در مراحل مختلف مدیریت بحران می‌باشد. در این مقاله که چالشها، اقدامات و الگوهای اجرایی آن در حوزه عملکردی مدیریت شهری تهران مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است، پس از بررسی سوابق مطالعات و اقدامات اجرایی صورت گرفته و بحث در زمینه نقش مشارکت مردم در مدیریت بحران، دیدگاه‌های نظری مطرح مورد بررسی قرار گرفته همچنین با اشاره به الگوهای مشارکت مردم در شهرها، سیر تحول قوانین، مطالعات و برنامه‌های اجرایی مدیریت شهری تهران مورد بررسی قرار گرفته است. در نهایت راهکارهای اجرایی در زمینه بکارگیری از این توان برای کاهش آسیب پذیری و مقابله با حوادث و سوانح ارایه گردیده است. پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر شیوه اجرا توصیفی و تحلیلی است و برای جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها از روش اسنادی (کتابخانه‌ای) استفاده شده است.

Islam در سال ۲۰۲۰ به بررسی مردمی تحت استبداد بی پایان پرداخت و اشاره داشت که مردم روهینگیا سابقه طولانی بحران دارند. بحران موضوع مهاجرت غیرقانونی نیست، بلکه موضوع عدم تحمل است. روهینگیاها با روند مستمر مشروعیت زدایی، آزار و اذیت سیستماتیک و بدتر شدن سوء استفاده‌ها مواجه بوده‌اند که به نسل کشی ختم شده است. از سال ۱۹۴۲، موج‌های متناوب روهینگیا برای فرار از آزار و اذیت به بنگلادش و سایر کشورها گریختند. سازمان ملل متحد روهینگیا را تحت تعقیب‌ترین مردم جهان توصیف کرده است. در سال ۲۰۱۷، صدها و هزاران روهینگیا با قتل عام خانواده‌ها، سوختن روستاها، تجاوز گروهی به زنان و پرتاب شدن نوزادان در آتش به بنگلادش همسایه گریختند. مهمترین اولویت مردم روهینگیا این است که در امنیت، با عزت و عدالت به خانه خود بازگردند. اما آنها نمی‌توانند به جایی برگردند که نسل کشی هنوز ادامه دارد. باید پاسخگویی معتبری وجود داشته باشد تا اطمینان حاصل شود که قربانیان عدالت را اجرا می‌کنند و چرخه خشونت تکرار نمی‌شود. برای یک راه حل دائمی باید به علل ریشه‌ای بحران به طور موثر پرداخته شود. هویت قومی "روهینگیا" و "شهروندی کامل" آنها باید از نظر قانونی به رسمیت شناخته شود و احیا شود. آنها باید بتوانند به صورت مسالمت آمیز در ایالت راکین با «حقوق جمعی» خود همزیستی مسالمت آمیز با سایر ملیت‌های قومی اتحادیه میانمار داشته باشند.

Cawkwell در سال ۲۰۱۴ به بررسی استبداد اولیه یونان و مردم پرداختند و اشاره داشتند که بیش از شصت سال پیش، درباره استبداد اولیه یونان نوشته شده بود که «فقط در شهرهایی که رژیم صنعتی و تجاری بر اقتصاد روستایی غالب می‌شد، اما جایی که برای بسیج توده‌ها و حمله به آنها به دست آهنین نیاز بود، به وجود آمد. در مورد طبقات ممتاز... اما استبداد در هیچ کجا دوام نیاورد. پس از انجام خدماتی که طبقات مردمی از آن انتظار داشتند، پس از آن که قدرتمندانه به رفاه مادی و توسعه دموکراسی کمک کرد، با سرعتی شگفت‌انگیز ناپدید شد... مردم استبداد را صرفاً مصلحت می‌دانستند. آنها از آن به‌عنوان قوچ کتک‌زنی برای تخریب ارگ الیگارشی‌ها استفاده کردند، و هنگامی که پایان آنها به پایان رسید، با عجله سلاحی را که دست‌هایشان را زخمی می‌کرد، رها کردند.» بنابراین گوستاو گلوتر، که دیدگاهش مورد پسند دو است کروا قرار گرفت. او نیز با توسل به ارسطو نتیجه‌گیری کرد که در یک قطعه معروف اعلام کرد که برخلاف سلطنت که برای کمک به «بزرگ و نیکو» (Οὐ Πλεικέϊς) در برابر مردم و پادشاهی که به عنوان یکی از «بزرگ‌ها و نیکوکاران» منصوب می‌شود. ظالم از میان مردم و انبوه مردم می‌آید تا با مردان نامدار مقابله کند و از رفتار ناعادلانه مردم با آنها جلوگیری کند. این از آنچه واقعاً اتفاق افتاده است روشن است، زیرا به طور کلی، اکثریت ظالمان از عوام فریبی بودن به ظالم تبدیل شدند و با حملات توهین آمیز خود به افراد برجسته اعتماد کردند.» در مقابل این دیدگاه ارسطو و همه چیزهای او ماهواره‌های روز آخر، این مقاله هدایت می‌شود.

روش کار

در این مطالعه با استفاده از روش تحقیقی توصیفی و با گردآوری منابع کتابخانه ای به بررسی جایگاه و نقش قدرت جامعه (مردم) در برابر بحران استبداد پرداخته شد و نتایج به شرح ذیل گردآوری گردید:

### یافته ها

#### شناخت مفهوم استبداد

استبداد به معنای تحقق قدرت و سلطه بی‌رویه حاکمان بر جامعه و سلب حقوق و آزادی‌های اساسی افراد است. بحران استبداد در شرایطی رخ می‌دهد که قدرت استبدادی‌ها به شدت بیشتر شده و تهدید برای آزادی و عدالت در جامعه به شکل فزاینده‌ای حاضر است. برخی از نمونه‌های برجسته استبداد در جهان شامل رژیم بعث عراق تحت حاکمیت صدام حسین و رژیم نازی در آلمان هیتلری است (DAHEL 1997).

#### اهمیت نقش مردم جامعه در استبداد

قدرت جمعیت و تعداد افراد در جامعه: قدرت جمعیت و تعداد افراد در جامعه یکی از عوامل اصلی برای تحقق تغییرات و اصلاحات است. هرچه تعداد افراد فعال و مشارکت کننده در جوامع بیشتر باشد، قدرت مردم در برابر استبداد نیز بیشتر خواهد بود. تحرک و همکاری بین افراد می‌تواند قدرت چشمگیری برای تحقق اهداف جمعی و عدالت در جامعه فراهم کند توانمندی مردم در ایجاد تحولات اجتماعی و سیاسی: مردم دارای توانمندی‌های فراوانی هستند که می‌توانند در ایجاد تحولات اجتماعی و سیاسی مؤثر باشند. مشارکت در فعالیت‌های مدنی، تظاهرات، اعتراضات، انتخابات و سایر روش‌های تعاملی می‌تواند نه تنها آگاهی افراد را افزایش دهد، بلکه بر تغییرات سازنده در جامعه تأثیر بگذارد. مثال‌هایی از این تحولات شامل انقلاب‌ها و جنبش‌های مردمی در جهان، انتخابات دموکراتیک و تغییرات سیاسی در کشورها می‌باشد (Diamond 2008).

#### نقش فعال اجتماعی و سیاسی مردم در بحران‌های استبدادی

در بحران استبداد، نقش فعال اجتماعی و سیاسی مردم بسیار مهم است. افراد می‌توانند با ایجاد اتحاد، تشکیل گروه‌ها و سازمان‌های مدافع حقوق بشر، رسانه‌های مستقل، فعالیت‌های مدنی و مبارزه با فساد به تحقق عدالت و دموکراسی در جامعه کمک کنند. نقش رسانه‌های مستقل نیز در افشا نقش رسانه‌های مستقل نیز در افشای نقاط ضعف و سوءاستفاده‌های حاکمان و اطلاع‌رسانی به مردم بسیار حائز اهمیت است. رسانه‌های مستقل می‌توانند بر توجه عمومی به بحران استبداد و نقض حقوق انسانی تأثیر گذاشته و افراد را آگاه سازند. این آگاهی عمومی می‌تواند به تحریک اعتراضات و انتقادات عمومی در قبال رژیم استبدادی و حاکمان منجر شود (Amnesty International 2021).

#### نمونه‌های موفق از تغییرات سیاسی و انتخابات در کشورها:

انقلاب اسلامی ایران: انقلاب اسلامی در ایران در سال ۱۹۷۹ نمونه‌ای برجسته از تغییرات سیاسی با نقش قدرت مردم بود. تظاهرات گسترده و مشارکت جمعیت در انتخابات، ایجاد تغییرات عمده‌ای در ساختار قدرت و حاکمیت کشور را به همراه داشت.

انقلابات عربی: انقلابات عربی که از سال ۲۰۱۰ آغاز شد، نشان داد که نقش قدرت مردم در تحقق تغییرات سیاسی بسیار مهم است. تظاهرات و اعتراضات گسترده مردم عرب در کشورهای مختلف نه تنها به برکناری رژیم‌های استبدادی منجر شد، بلکه از طریق انتخابات و فرآیندهای دموکراتیک تغییرات سیاسی را فراهم کرد.

#### منابع و موانع در مبارزه با استبداد:

اهمیت آگاهی و آموزش مردم: آگاهی مردم درباره حقوق و آزادی‌های خود بسیار اهمیت دارد. آموزش و آگاهی به مردم درباره اصول دموکراسی، حقوق انسانی و نظره برای شرکت فعال در فرآیندهای سیاسی و اجتماعی می‌تواند آنها را تقویت کند و در مبارزه با استبداد مؤثر باشد. ایجاد زمینه‌هایی برای آموزش سیاسی و شهروندی فعال در مدارس و مراکز جامعه نیز بسیار حائز اهمیت است (International Center for Not-for-Profit Law 2021).

حق آزادی بیان و رسانه‌های مستقل: حق آزادی بیان و رسانه‌های مستقل برای اطلاع‌رسانی و افشای سوءاستفاده‌ها و نقاط ضعف حاکمان بسیار اهمیت دارد. تأمین و حفظ این حقوق می‌تواند به مردم امکان دهد تا از وضعیت جامعه و برخورداری از اطلاعات صحیح باخبر شوند و اقدامات لازم را انجام دهند.

تشکیل گروه‌های مدافع حقوق بشر و سازمان‌های مدنی: تشکیل گروه‌های مدافع حقوق بشر و سازمان‌های مدنی با هدف نظارت بر عملکرد حاکمان و مبارزه با استبداد بسیار مؤثر است. این گروه‌ها می‌توانند در افشای نقض حقوق انسانی، حمایت از قربانیان استبداد و تحریک به اقدامات مدنی مؤثر باشند.

تعامل و همکاری بین المللی: تعامل و همکاری بین المللی در مبارزه با استبداد و حمایت از حقوق انسانی بسیار حائز اهمیت است. هماهنگی سیاست‌ها، تحریک بین‌المللی و اعمال فشارهای اقتصادی و سیاسی به رژیم‌های استبدادی می‌تواند در تغییرات ساختاری و تضعیف قدرت آنها موثر باشد.

موانع در مبارزه با استبداد: در مبارزه با استبداد، موانعی نیز وجود دارند که می‌تواند موانعی که ممکن است در مبارزه با استبداد وجود داشته باشد عبارتند از:

سرکوب و خشونت: حاکمان استبدادی معمولاً از ابزارهای سرکوب و خشونت برای سرکوب و مهار مردم استفاده می‌کنند. این شامل بازداشت‌های خودسرانه، شکنجه، زندانی کردن فعالان اجتماعی و سیاسی و سانسور رسانه‌ها است. این اقدامات می‌توانند ترس و ایجاد امنیت عدم تلاش در مردم را ایجاد کنند.

محدودیت‌های قانونی: حاکمان استبدادی ممکن است قوانین و مقرراتی را تصویب کنند که آزادی‌ها و حقوق اساسی مردم را محدود کنند و اقدامات آنها را محدود سازند. این شامل محدودیت‌های در آزادی بیان، تجمع و اجتماعی، حظر فعالیت‌های مدنی و محدودیت دسترسی به اطلاعات است.

از بین بردن شبکه‌های ارتباطی: در بعضی موارد، حاکمان استبدادی ممکن است از بین بردن شبکه‌های ارتباطی و ممانعت از دسترسی به اینترنت، رسانه‌های اجتماعی و ابزارهای ارتباطی دیگر استفاده کنند. این اقدام با هدف کاهش ارتباطات مردم و جلوگیری از گسترش اطلاعات و هماهنگی فعالیت‌های مدنی انجام می‌شود.

تدابیر اقتصادی: برخی از حاکمان استبدادی می‌توانند تدابیر اقتصادی را به کار ببرند تا نیروهای مردمی را ضعیف کنند. این شامل محدودیت‌ها در دسترسی به منابع اقتصادی، تورم، بیکاری و تنش‌های اقتصادی است. این اقدامات می‌توانند سبب ایجاد فشارهای اقتصادی بر مردم شده و انگیزه آن‌ها را برای مشارکت در فعالیت‌های مدنی و اعتراضات کاهش دهند.

تفرقه‌افکنی و تبعیض: حاکمان استبدادی ممکن است از استراتژی‌های تفرقه‌افکنی و تبعیض نژادی، قومی یا مذهبی برای ضعیف کردن واحد و همبستگی مردم استفاده کنند. این اقدامات می‌توانند باعث ایجاد تنش‌ها و تعارضات درون جامعه شده و از یکپارچگی و همبستگی مردم سلب کنند.

تاثیرگذاری بین‌المللی: تاثیرگذاری بین‌المللی در مبارزه با استبداد ممکن است با چالش‌هایی همراه باشد. برخی حاکمان استبدادی ممکن است با استفاده از روابط بین‌المللی قدرتمند، از تحریم‌ها و تحریم‌های اقتصادی جلوگیری کنند و حمایت خارجی را به چالش بکشند (United Nations Development Programme, 2020).

با این حال، تجربه نشان داده است که با وجود این موانع، قدرت مردم در جامعه می‌تواند نقش بسیار مهمی در مبارزه با استبداد و تحقق تغییرات سیاسی داشته باشد. از طریق اعتراضات عمومی، فعالیت‌های مدنی، شرکت در انتخابات و تحریک اجتماعی می‌توان به تغییر و تحولات اساسی در جامعه دست یافت. علاوه بر این، همکاری و تعامل بین المللی، استفاده از رسانه‌های مستقل، آگاهی مردم و تشکیل گروه‌های مدافع حقوق بشر می‌تواند در غلبه بر موانع و مبارزه با استبداد مؤثر باشد. با توجه به اهمیت قدرت مردم در مبارزه با استبداد، برخی راهکارها و تدابیر عملی برای تقویت نقش مردم در جامعه و تحقق تغییرات سیاسی و اجتماعی عبارتند از:

آگاهی‌بخشی و آموزش: ارتقای سطح آگاهی و آموزش سیاسی و شهروندی در جامعه بسیار حائز اهمیت است. این می‌تواند از طریق مدارس، دانشگاه‌ها، رسانه‌ها، سازمان‌های مدنی و حتی شبکه‌های اجتماعی صورت بگیرد. با افزایش آگاهی و دانش

سیاسی مردم، آنها قادر خواهند بود تصمیم‌گیری‌های بهتری برای خود و جامعه خود بکنند و در فرآیندهای سیاسی فعالیت کنند.

تشکیل گروه‌ها و سازمان‌های مردمی: تشکیل گروه‌ها و سازمان‌های مردمی با هدف نظارت بر حاکمان، مبارزه با استبداد و حفظ حقوق شهروندی بسیار مؤثر است. این گروه‌ها می‌توانند فعالیت‌های آموزشی، اعتراضی، تحریکی و حمایتی را انجام دهند و مردم را برای اعتراضات و تحرکات مدنی متحد کنند.

استفاده از رسانه‌های مستقل: رسانه‌های مستقل و خبرگزاری‌های غیردولتی نقش بسیار مهمی در انتشار اطلاعات صحیح و افشای سوءاستفاده‌ها و نقاط ضعف حاکمان دارند. حمایت از رسانه‌های مستقل و استفاده از آنها برای انتقال پیام‌ها و تحریک به فعالیت‌های مدنی اهمیت دارد.

شرکت در انتخابات و فعالیت سیاسی: شرکت فعال در فرآیندها، امضای سندها، اعتراضات عمومی و تظاهرات نمونه‌های دیگری از فعالیت‌های مدنی هستند که مردم می‌توانند انجام دهند. این اقدامات می‌توانند توجه عمومی را جلب کنند، آگاهی‌ها را افزایش دهند و نیروی مردمی را برای تغییر و تحقق اهداف اجتماعی تحریک کنند.

همکاری و تعامل بین‌المللی: تعامل و همکاری با سازمان‌ها و حقوق بشری بین‌المللی، نهادها و کمیته‌های مربوط به دموکراسی و حقوق بشر، می‌تواند به تقویت قدرت مردم در مبارزه با استبداد کمک کند. این شامل ارتباطات و همکاری با سازمان‌های مدافع حقوق بشر، برگزاری نشست‌ها و کنفرانس‌های بین‌المللی، ارسال گزارش‌ها و شاهدان به سازمان‌های بین‌المللی و استفاده از مکانیسم‌های بین‌المللی برای تحقق عدالت است (نگارنده).

### بحث و نتیجه‌گیری

در نهایت، قدرت مردم در جامعه می‌تواند بر اساس اجتماعی بالا، همبستگی، آگاهی و مشارکت فعال آنها در فرآیندهای سیاسی و اجتماعی تقویت شود. این برای تحقق تغییرات سیاسی، اصلاحات قانونی و حقوق بشر بسیار اساسی است. همچنین، تعامل و همکاری بین‌المللی با سازمان‌ها و فعالان حقوق بشری در سطح جهانی می‌تواند به تقویت نقش مردم در مبارزه با استبداد کمک کند و برای تحقق عدالت و دموکراسی در جوامع مختلف اهمیت بالایی داشته باشد. قدرت مردم در جامعه نقش بسیار حیاتی و مهمی در مبارزه با استبداد دارد. این قدرت بر اساس فعالیت‌های مدنی، شرکت در انتخابات، اعتراضات عمومی و تحریک اجتماعی، آگاهی‌بخشی و آموزش، تشکیل گروه‌ها و سازمان‌های مردمی، استفاده از رسانه‌های مستقل و همکاری بین‌المللی قابل تقویت است.

مردم با همبستگی، آگاهی و مشارکت فعال در فرآیندهای سیاسی و اجتماعی، می‌توانند تغییرات اساسی را در جامعه خود به وجود آورند. با اعتراضات و تظاهرات، آنها می‌توانند نظام‌های استبدادی را به چالش بکشند و به حقوق شهروندی خود دست پیدا کنند. همچنین، با همکاری و تعامل بین‌المللی، می‌توانند به حمایت بین‌المللی دست یابند و نیروی جهانی را برای مبارزه با استبداد فعال کنند.

به طور کلی، تقویت قدرت مردم در جامعه از اهمیت بالایی برخوردار است و برای دستیابی به دموکراسی، عدالت و حقوق بشر ضروری است. امیدواریم که با آگاهی‌بخشی، تشکیل گروه‌ها و سازمان‌های مردمی، همکاری بین‌المللی و فعالیت‌های مدنی، قدرت مردم در جامعه همواره در راه تحقق تغییرات مثبت و پیشرفت اجتماعی مؤثر باشد.

### منابع و مأخذ

غلامی، هادی و شکوهی بیدهندی، محمد صالح، ۱۴۰۱، مطالعه‌ی تطبیقی جایگاه حاکمیت و مردم در مدیریت بحران در نظریه‌های اجتماعی، دومین کنفرانس بین‌المللی معماری، عمران، شهرسازی، محیط زیست و افق‌های هنر اسلامی در بیانیه گام دوم انقلاب، تبریز،

باوی، ساسان و روشن سالار، اشرف، ۱۴۰۰، نقش جامعه و مشارکت مردم در عملیات روانی بحران، ششمین کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی، اجتماعی و سبک زندگی

نورالهی، بابک، ۱۳۹۲، نقش مشارکت مردمی در مدیریت بحران (با نگاهی به رویکرد مدیریت شهری تهران در جلب مشارکت های مردمی)، پنجمین کنفرانس بین المللی مدیریت جامع بحران های طبیعی، تهران  
محمودی، ابوالقاسم، حبیبی، علی، جمراسی، داوود، ۱۳۹۷، نقش مشارکت مردم در تحول حکمرانی، دانشکده حقوق، دانشگاه تهران.

Cawkwell, G. L. (2014). Early Greek tyranny and the people. *The Classical Quarterly*, 45(1), 73-86.

Islam, N. (2020). Rohingya: a people under endless Tyranny. *Asian Affairs: An American Review*, 48(1), 14-40

DAHEL.R. A. (1971). *Polyarchy: Participation and opposition*. Yale University Press.

Diamond, L. (2008). *The Spirit of Democracy: The Struggle to Build Free Societies throughout the World*. Macmillan.

Amnesty International. (2021). *Power to the People? How Popular Protests are Shaping the World*. Retrieved from

<https://www.amnesty.org/download/Documents/ACT3013002021ENGLISH.PDF>

International Center for Not-for-Profit Law. (2021). *A Guide to Advocacy and Civic Engagement*. Retrieved from <https://www.icnl.org/resources/research-center-guide-to-advocacy-and-civic-engagement>

United Nations Development Programme. (2020). *Enhancing Youth Political Participation throughout the Electoral Cycle*. Retrieved from

<https://www.undp.org/content/undp/en/home/librarypage/democratic-governance/youth-political-participation.html>